

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ!

حکم پوشانیدن قدم‌های زن

(ترجمه)

پرسش

السلام علیکم ورحمت‌الله وبرکاته!

از الله سبحانه و تعالی می‌خواهم که با اعطای نصرت، تمکین و ثبات بر ما و شما منت گذارد و دعا می‌کنم که الله سبحانه و تعالی برای تأسیس خلافت بر منہاج نبوت دوم شما را نصرت و کمک نماید تا شما ششمین خلفای راشدین شوید. الله سبحانه و تعالی حافظ این امر بوده و به همه چیز قادر است.

شیخ بزرگوار! در کتاب «نظام اجتماعی دولت خلافت» چاپ چهارم (1424 ق - 2003 م) صفحه 49-50 در مورد موضوع «نگاه کردن به سوی زنان» در مورد ویژگی‌های لباسی که زن بالای لباس خود می‌پوشد، چنین آمده است: «شرط در جلباب این است که باید تا به زمین افتاده باشد تا این که قدم‌هایش را نیز بپوشاند؛ چون الله سبحانه و تعالی در این آیت می‌فرماید:

(يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَيبِهِنَّ) ﴿احزاب: 59﴾

ترجمه: چادرهای خود را جمع و جور بر خویش فرو افکنند.

یعنی آن‌ها باید جلباب‌های‌شان را به شکل پرده آویزان کنند، به نسبت این که حرف "من" در این جا به معنای "تبغیض" نیامده است؛ بلکه حرف بیان می‌باشد. به عباره دیگر: این که زنان دامن و پتوی خویش را به طرف پائین به شکل آویزان اندازند. چنان چه از ابن عمر رضی الله عنه روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«من جرّ ثوبه خيلاء لم ينظر الله إليه يوم القيامة، فقالت أم سلمة: فكيف يصنع النساء بذيولهن؟ قال: يرخين شبراً، قالت؟ إذن ينكشف أقدامهن. قال: يرخين ذراعاً لا يزدن» (أخرجه الترمذی)

ترجمه: هرکس لباس خود را از دید تکبر بر زمین کش نماید، الله (سبحانه و تعالی) در روز قیامت به وی نظر رحمت نمی‌نماید. ام سلمه گفت: زنان با دامن‌های خود چه می‌کنند؟ فرمود: یک وجب پائین نمایند، ام سلمه گفت: در این حالت پاهای‌شان برهنه باقی می‌ماند، فرمود: یک ذراع پائین نمایند و از این بیش تراضافه ننمایند.

در این جا صریحاً بیان گردید، لباسی که بالای لباس خانه پوشیده می‌شود [که مردم آن را به نام] ملأه و ملحفه؛ یعنی چادر و روی پوش یاد می‌کنند، باید به طرف زمین آویزان باشد تا این که پاها را بپوشاند. حتی اگر پاها توسط جراب‌ها و یا بوت‌ها پوشانیده شده باشد، نمی‌تواند جای لباس آویزان شده را بگیرد. اما اگر پاها را با جراب و یا هم با بوت پوشانده باشند، دیگر این ضرور نیست که پاها را توسط چادر آویزان به زمین بپوشاند؛ چون که پاها به واسطه جراب و یا هم بوت پوشانیده شده‌اند.

1- احساس کردم که در بین این سطور تناقض وجود دارد؛ طوری که نخست تصریح کرد: «در این جا صریحاً بیان گردید، لباسی که بالای لباس پوشیده می شود [که مردم آن را به نام] ملائنه و ملحفه؛ یعنی چادر و روی پوش یاد می کنند، باید به طرف زمین آویزان باشد تا این که پاها را بپوشاند» و بعد تصریح کرد: «دیگر این ضرور نیست که پاها را توسط چادر آویزان به زمین بپوشاند؛ چون که پاها به واسطه جراب و یا هم بوت پوشانیده شده اند»؛ پس چگونه می توان تناقض را فهمید؟ و آیا به زن لازم است که پاهای خود را با جلبابش بپوشاند، یا پوشانیدن با جراب کفایت می کند؟

شیخ بزرگوار! موضوع دیگر این که من را معذور بدارید که پرسش را طولانی نمودم.

2- باتوجه به حدیثی که از ابن عمر نقل شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«من جر ثوبه خیلاء لم ينظر الله إليه يوم القيامة، فقالت أم سلمة: فكيف يصنع النساء بذيولهن؟ قال: يرخين شبراً، قالت؟ إذن ينكشف أقدامهن. قال: يرخين ذراعاً لا يزدن»

پرسش ام این است که قیاس ام سلمه در این مورد از کجا آمد، آیا آن از مفصل پای است و یا این که از نصف پای؟ هم چنین زن چقدر از جلباب خود را رها می نماید و یا آن را به زمین کش می کند، آیا تمام پای را می پوشاند، یا فقط مچ پای را و یا اگر با جراب پوشانید، کفایت می کند؟

الله سبحانه وتعالی به شما وبه تلاش های شما برکت دهد. والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته!

پاسخ

الف- زنان مخصوصاً در صحرا درحالی راه می روند که پای برهنه، یا هم با کفش و یا هم چیزی مشابه آن که کاملاً پاهای شان را نمی پوشاند، در این وقت پاهای زن برهنه می باشد. مگر این که لباس خود را بر زمین کش نماید تا این که پاهای وی در هنگام رفتن در معرض دید قرار نگیرد. زمانی که رسول الله صلی الله علیه وسلم از کشیدن لباس به روی زمین منع نمود، ام سلمه به این فکر افتید که اگر زن هنگام راه رفتن لباس خود را بر زمین نکشد، وی زمانی که راه برود و یا حرکت نماید، پاهای وی در معرض دید قرار می گیرد، در نتیجه پای پوشیده نبوده و در هنگام راه رفتن و یا پوشیدن کفش برهنه می باشد. از این جهت از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسید: زنان به دامن های خود چه می کنند؟ چون زنان جلباب و یا چادر خود را به زمین از جهت این کش می کنند که پاهای شان در معرض دید قرار نگیرد. رسول الله صلی الله علیه وسلم برای شان اجازه داد که جلباب های خود را یک وجب و یا یک ذراع به زمین کش نمایند؛ چون مادامی که لباس بر زمین کش کرده شود، برهنه گی پاهای در معرض دید قرار نمی گیرد. پس موضوع کشیدن لباس به خاطر پوشاندن پاها بود؛ یعنی این که پرسش از جهت پوشاندن پاها بود. یا به عبارت دیگر، کشیدن جلباب بر زمین در زیر پای از جهت پوشاندن پاها بود. علت در کشیدن لباس بر روی زمین همانا پوشاندن پای می باشد؛ پس وجود معلول وعدم وجودش وابسته گی به علت دارد. اگر پاها پوشانده باشند، لباس بر زمین کش کرده نمی شود؛ بلکه کفایت بر این می کند که معنای نزدیکی و ارخاء که در آیت آمده تحقق یابد؛ یعنی این که لباس نزدیک کرده شود تا اینکه پاها پوشانده باشند.

ب- ام سلمه یک وجب و یک ذراع را از کجا قیاس نمود؟ درحالی که مسأله پیرامون "کشیدن لباس به روی زمین بود." این همان چیزی است که ام سلمه جویای تفسیرش شده بود. به این دید بود که اگر لباس به روی زمین کش کرده نشود، پاها هنگام راه رفتن در معرض دید قرار می‌گیرد. این درست است که اگر لباس به زمین یک مقدار کش کرده نشود، پای زن برهنه باقی می‌ماند، و یا این که کفشی را بپوشد که تمام پای را نپوشاند، هنگام حرکت دادن پاها در موقع راه رفتن برهنه می‌شود. رسول لله صلی الله علیه وسلم برایش اجازه داد که لباس خود را یک وجب به زمین پائین نماید؛ زیرا حدیث پیرامون کش کردن لباس بوده؛ چون کلمه "جر" مقصدش کش کردن به روی زمین بوده، و این امر نشانگر این است که یک وجب بر زمین کش کرده می‌شود؛ یعنی این که از پائین کف پای می‌باشد.

باز هم تکرار بر این می‌نمایم که این امر از خاطر این است که پاها هنگام راه رفتن در معرض دید قرار نگیرد؛ اگر پای پوشانده به جراب باشد، نزدیک نمودن جلاباب تا پشت پاهای پوشیده به جراب کفایت می‌کند؛ یعنی این که پائین نمودن جلاباب تا بجلک‌های پای هنگامی که پای پوشانده شده باشد کافی است.

برادران عطاء بن خلیل ابو الرشته

26 ربیع الاول 1435 هـ.ق.

27 جنوری 2014 م.

مترجم: احمد جبیر نوری